

The effect of gender difference on human reality and social activity, from the viewpoint of Imamiya and Wahhabism, centered on the interpretative thoughts of Ayatollah Javadi Amoli and Benbaz

(Received: 2021/10/28- Accepted: 2023/02/22)
DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.11.0>

Fatemeh Raofi Tabar¹

Abstract

Gender difference, which means being male or female, is one of the characteristics that classify human beings into two major classes, men and women. Despite all the differences between men and women, both of them would be identified with a single type; and their commonalities cause both to be called human. However, differences related to gender have caused different views about a woman's reality as a human and her social activities. The aim of this research is to the effect of gender differences on human reality and social activity from the perspective of Imamiya (on behalf of the second perception) and Wahhabism (on behalf of the first perception) by focusing on the thoughts of Ayatollah Javadi Amoli and Benbaz, which has been written by using the method of comparison and analysis. In Wahhabism, Ben Baz is one of those who, believing in the lack of intellect and faith of a woman, ignores her human reality and prevents her from being in the community under the pretext of being forbidden social intercourse with men. This perception, relying on the appearance of some hadiths, has closed its eye on the numerous verses of the Qur'an and Traditions, which do not limit human development to a specific gender and consider only humanity and piety as the criteria. On the other hand, Ayatollah Javadi, on the behalf of Imamiya thought, believes the soul is the most important dimension of humans, in which gender has no meaning, and pious men and women can go through the stages of their human reality without any discrimination. Social activity, concerning Islamic limits, is also permissible and in some cases necessary for a woman. This view, in addition to being by wisdom, is derived from the verses of the Qur'an and Traditions.

Keywords: gender difference, woman, Ayatollah Javadi Amoli, Ben Baz, Imamiya, Wahhabism.

دو فصلنامه علمی مطالعات تفسیری قرآنی

سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۳
بهار و تابستان
۱۴۰۱

۲۴۰

1. PhD student in Kalam, Qom University, Qom, Iran. fmrt.1371@gmail.com



تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعلیت انسانی و فعالیت اجتماعی

از نظرگاه امامیه و وهابیت

با محوریت اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله جوادی‌آملی و بن‌باز

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.11.0>

فاطمه رئوفی تبار^۱

چکیده

با وجود تمام اختلاف‌های زن و مرد، هر دو در ذیل نوع واحدی به نام انسانیت قرار می‌گیرند؛ با این حال، اختلاف‌های وابسته به جنسیت، نگاه‌های متفاوتی را نسبت به فعلیت انسانی زن و فعالیت‌های اجتماعی او سبب شده است. هدف از این پژوهش، تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعلیت انسانی و فعالیت اجتماعی از نظر گاه امامیه (به نمایندگی از تلقی دوم) و وهابیت (به نمایندگی از تلقی اول) با محوریت اندیشه‌های آیت‌الله جوادی‌آملی و بن‌باز است که با روش تطبیق و تحلیل به نگارش درآمده است. بر این اساس، بن‌باز در وهابیت از جمله کسانی است که با اعتقاد به نقص عقل و ایمان زن، فعلیت انسانی او را بی‌پاسخ گذاشته است و به بهانه حرمت اختلاط با مرد، او را از حضور در اجتماع باز می‌دارد. در مقابل، آیت‌الله جوادی به نمایندگی از تفکر امامیه، مهم‌ترین بعد انسان را روح می‌داند که جنسیت در آن معنا ندارد و زن و مرد با تقوا پیشگی می‌توانند مراحل فعلیت خود را بدون هرگونه تبعیض، طی کنند. از دیدگاه علامه جوادی فعالیت اجتماعی نیز برای زن، با رعایت حدود اسلامی، جایز و در برخی موارد، لازم و ضروری است. این نگاه، افزون بر مطابقت با عقل، برگرفته از آیات قرآن و روایات است.

واژگان کلیدی: تفاوت جنسیتی، زن، آیت‌الله جوادی‌آملی، بن‌باز، امامیه، وهابیت.

مقدمه

مسئله زن، اگرچه موقعیتی مستقل از انسان‌شناسی ندارد؛ اما نادیده انگاری‌ها در حوزه ارزش‌های او و نگاه‌های جنسیتی، سبب شده که این مسئله، به صورت خیرخواهانه یا با هدف تبلیغ، منزلتی خاص پیدا کند. با تمام دیدگاه روشنی که اسلام درباره جایگاه زن دارد، هنوز در میان برخی اندیشه‌های منتسب به اسلام، زن، موقعیت شایسته و حقیقی خود را نیافته است. امروزه که بحث زن، با ماهیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و دینی در محافل داخلی و خارجی؛ در زمره مباحث مهم روز، قرار گرفته است و بخش عظیمی از گفتارها و نوشتارها را به خود، اختصاص داده، شایسته است که نگاه اصیل و انسانی اسلامی به زن، تبیین و تحلیل شود و نگاه‌های افراطی و تفریطی منتسب به اسلام، از دور، خارج شود.

رشد اندیشه‌های وهابیت در جوامع مدنی و نیز ادعای اسلام اصیل، از سوی بزرگان این فرقه، انگیزه‌ای شد تا بر پایه تطبیق و تحلیل دیدگاه وهابیت و امامیه درباره زن، در فضایی به دور از تعصب، به افراط و تفریط یا اعتدال اندیشمندان پی‌برد. مسئله زن، دارای ابعاد مختلفی است و با رویکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... قابل بررسی است. در این میان، این نوشتار بر آن است که اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی به نمایندگی از تفکر شیعه امامیه و نظرات مفتی بن‌باز را پیرامون تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعلیت انسانی و فعالیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. فرجام سیر مطالعاتی درباره این مسئله، حاکی از عدم وجود تحقیق و پژوهشی مستقل در این باره است؛ با این حال، می‌توان به آثاری اشاره نمود که تا حدی با این موضوع، قرابت دارند؛ از آن جمله:

-مقاله «حدود آزادی فعالیت زن از دیدگاه وهابیت»، به قلم اعظم رضایی، در شماره ۷۴ مجله مطالعات راهبردی زنان.

-پایان‌نامه «بررسی تطبیقی دیدگاه مفتیان وهابیت و امام‌خمینی (ره) پیرامون زن»، به قلم فاطمه رئوفی‌تبار در سال ۱۳۹۳.

اما آن‌چه این پژوهش را از سایر نگارش‌های مشابه، متمایز می‌دارد؛ مقایسه برخی از نظرات دو تن از شخصیت‌های بزرگ امامیه و وهابیت در مسئله تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در فعلیت انسانی و فعالیت اجتماعی است که با روش تطبیق و مقایسه، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در قلمرو کلام و فرق اسلامی، گردآوری شده است.

تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

تفاوت‌های جنسیتی در نوع واحد انسانیت؛ دو صنف بزرگ مرد و زن یا مؤنث و مذکر را به دنبال دارد. تأثیر هر یک از این دو صنف بر درجات انسانیت، شامل: انسان‌تر

شدن یا کم بهرگی از انسانیت، نیازمند تحقیق و بررسی است؛ چرا که امروزه، به‌رغم شیرین‌گفتاری گروه‌های مختلف فکری پیرامون مقام زن و ارزش‌های او، هنوز در عمل، موجودی طفیلی و دست‌دوم به شمار می‌رود؛ که تنها حضور او برای کسب‌رأی یا بالا بردن آمار، کاربرد دارد. با وجود آن که منابع دینی و عقل سلیم، هیچ مدرکی در انسان‌تر بودن مرد، ارائه نکرده است؛ اما پابندی سرسختانه عده‌ای به این تفکر، سبب شده که شمار زیاد آیات و روایات را نادیده گرفته و بر عقل سلیم، چشم‌بربندند و در پی‌یافتن یا ساختن مدرکی بر مدعیات خویش باشند. عوامل دیگری چون بی‌توجهی به بعد اصلی انسانیت؛ یعنی روح و نفس، غلبه نگاه جنسیتی، تعصب به تفکر جاهلی، عدم شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و نیز نگاه ظاهر بسنده به نقل، باعث تفاوت عملکرد با گفتار در عده‌ای گردیده است. در این مجال، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها از نگاه وهابیت و امامیه با محوریت دیدگاه مفتی، بن‌باز و آیت‌الله جوادی مورد بررسی قرار گرفته است.

ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، بسته به حدود و قلمرو آن‌ها از طریق عقل و نقل، شناسایی می‌شوند. در بیشتر موارد، عقل به تنهایی می‌تواند حسن و قبح و ارزش و ضد ارزش و به عبارت دیگر مستقلات عقلیه را درک کند؛ چنان که جهل، ظلم، ذلت و عصیان را قبیح و علم، عدل، عزت و طاعت را ارزش می‌شمارد. افزون‌بر این، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی نیز هستند که بدون کمک وحی و نقل، درک نمی‌شوند و اگرچه تقابل و ضدیتی با عقل ندارند؛ اما عقل را بدان راهی نیست و برای درک آن، به منبعی قوی‌تر نیاز است. احکام و آداب دینی، در زمره این امور هستند. سؤال اصلی در این بخش، آن است که آیا جنسیت بر شناخت و عمل به ارزش‌ها و ضد ارزش‌های عقلی و دینی، تأثیری دارد؟

به‌طور کلی در میان آرای مفتیان وهابیت، پیرامون تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها دو رویکرد به چشم می‌خورد:

۱. در رویکرد نخست، زن، همچون مرد؛ موجودی انسانی است که در خلقت، جایگاهی هم‌تراز با مرد دارد. این تلقی بر اساس روایتی است که زن را همسان مرد می‌داند (ترمذی، ۱۴۲۳: ۶۵). این نگاه، در میان روشنفکران سعودی؛ همچون: زکی‌یمانی، وزیر نفت سابق عربستان سعودی و سهیله زین‌العابدین حماد، عضو اتحادیه جهانی زنان جریان دارد (زکی‌یمانی، ۱۳۸۵: ص ۱۴؛ زین‌العابدین حماد، ۱۴۲۴: ۱۹۸). در این دیدگاه، زن همچون مرد، دارای ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که جنسیت، تأثیری بر آن، نخواهد گذاشت.

۲. رویکرد دوم، که به نظر می‌رسد در پی حدیثی منتسب به پیامبر شکل گرفته است،

نگاهی متفاوت را ارائه می‌دهد. بر این اساس، زن، از بخش نهایی دندهٔ چپ مرد، خلق شده و همین امر، سبب بروز رفتارها و گفتارهای غیر ارزشی در مورد زنان شده است. بن‌باز، از جمله کسانی است که این حدیث را صحیح دانسته و به واسطهٔ ابوهیره از شیخین نقل می‌کند که: «زنان را به خوبی سفارش کنید، پس همانا آنان از استخوان دنده آفریده شده‌اند و کج‌ترین دنده‌ها، بالاترین آن‌هاست» (الجریسی، ۱۴۳۲: ۱۹۳). دیدگاه بیشتر مفتیان وهابی، نگاه اولیه و بدون تفسیر و تأویل از حدیث پیامبر است. آن‌ها علت برخی رفتارهای غیر ارزشی زنان را به دلیل نوع خلقت آن‌ها می‌دانند و از این رو، جنسیت را در ارزش‌ها و غیر ارزش‌ها دخیل می‌کنند.

قائلین به این رویکرد، راجع به ارزش‌های دینی و جایگاه معنوی زن، با استناد به روایتی از نبی مکرم اسلام (ﷺ)، ایمان و عقل زنان را ناقص می‌دانند (بخاری، ۱۴۲۷: ۸۸/۱). بن‌باز، پس از نقل حدیث و بسندگی به ظاهر آن، زن را دارای ایمان و عقلی ناقص می‌دانند، اما ظاهر سنگین عبارت و پرسش‌های پیش‌رو، او را به توجیه حدیث وامی‌دارد. او معتقد است که زن به واسطهٔ نقص در عقل و ایمان، مواخذه نمی‌شود؛ چراکه این کاستی‌ها، به وسیلهٔ شرع، حاصل شده است. او، این مسئله را یاری خدا برای زن می‌داند تا امور را برای او آسان نماید. مثلاً روزه، در هنگام عادت ماهیانه، برای زن، مضر است و خداوند با رحمت خود، ترک روزه را مشروع نموده است. خواندن نماز و به‌جا آوردن قضای آن نیز بر زن واجب نیست؛ چراکه نماز در شبانه‌روز، پنج بار تکرار می‌شود و قضای آن، مشقت‌بار خواهد بود (المسند، ۱۴۱۴: ۱۸۹-۱۹۱)، اما هم‌چنان جای این سؤال باقی است که چرا زن باید دارای این نواقص باشد؟ و چرا خداوندی که عین کمال است و جزء کمال از او صادر نمی‌شود، موجودی را با نقصان در عقل و ناتوان در ایمان، آفریده است، درحالی‌که به اعتراف بن‌باز، زن، هیچ نقشی در نقصان ندارد و از این جهت، مواخذه‌ای نیز نخواهد داشت؟

بن‌باز، جنسیت را در امور ارزشی دینی و غیردینی، مؤثر می‌داند و معتقد است که زن، به دلیل خلقت طفیلی و درجه‌چندمی خویش و نیز نواقصی که بر اساس روایت، در عقل و ایمان خود دارد- اگرچه مواخذه‌ای را سبب نمی‌شود- در امور ارزشی، مقامی، پایین‌تر از مرد خواهد داشت. به جزء بن‌باز، در آثار مفتیان دیگری از وهابیت، همچون: الطیار، عضو جمعیت فقهی عربستان، این ارزش‌گذاری به چشم می‌خورد. او در کتاب خویش، با استناد به روایتی از پیامبر (ﷺ)، زنان را از بیشترین تشکیل دهندگان جمعیت جهنم می‌داند و نتیجه می‌گیرد که غلبهٔ هوا و هوس بر زن، میل به زینت‌های دنیا و بازداشتن او از آخرت به دلیل نقصان عقل، سبب این کثرت جمعیت است (الطیار، ۱۴۳۲: ۷۲۰/۳).

در میان امامیه به‌ویژه اندیشمندان عصر حاضر، مسئله‌ی زن به مسئله‌ای تخصصی تبدیل شده است و نگاه جامع به این مسئله، سبب شده که مطالعات زن و مسائل پیرامونی آن به یکی از رشته‌های تخصصی در حوزه و دانشگاه تبدیل شود. با این وجود، اندیشمندان امامیه از فقیه تا فیلسوف و متکلم، در کتب خود، به مناسبت‌های مختلف از زن و مسائل پیرامونی او سخن گفته‌اند. آیت‌الله‌جوادی از جمله اندیشمندانی است که به مسئله‌ی زن، توجهی ویژه داشته و کتابی مستقل درباره‌ی شخصیت و ویژگی‌های زن نگاشته است. او بر اساس آیات قرآن معتقد است که زن و مرد را نباید از چهره‌ی ذکورت و انوئت شناخت؛ بلکه باید چهره‌ی انسانی او را مورد توجه قرارداد. حقیقت انسان را روح، تشکیل می‌دهد و انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند؛ نه جسم و بدنش. اگر جسم، نقشی در انسانیت انسان داشت، می‌توان از مذکر و مؤنث بودن سخن گفت؛ اما حقیقت انسان را روح تشکیل می‌دهد که فاقد هرگونه جنسیت است. بنابراین، تفاوت جنسی انسان‌ها در مسائلی که به حقیقت انسان ارتباط دارد، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود و معنایی نخواهد داشت (جوادی، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

قرآن کریم در بیان ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها؛ قرینه‌ای بر اختصاص ارزش و ضد ارزش به جنسیتی خاص، ندارد؛ چراکه موصوف این اوصاف، بدن نیست. اندیشه و علم، وصف عقل نظری؛ کشف و شهود، کار دل و فجور و تقوا، وصف جان است (جوادی، ۱۳۷۸: ۷۸-۸۰). هم‌چنین قرآن کریم، در بعد ارزش‌های دینی و خطاب‌های الهی، کمالات انسانی را در شناخت مبدأ، معاد و رسالت شناسی می‌داند. ارزش‌های دینی، بر این سه اصل، نظارت دارد و مذکر یا مؤنث بودن، در شناخت آن، هیچ مانعی ایجاد نمی‌کند. انبیاء نیز که در این مسیر، هدایت‌کننده و دعوت‌گر بوده‌اند، هیچ‌گاه برای جنسیتی خاص، دعوت‌نامه نفرستاده و جنسیت خاصی را محروم نکرده‌اند: «من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به‌سوی خدا دعوت می‌کنیم.» (یوسف/۱۰۸).

به‌طور کلی، آیات قرآن با توجه به مسئله‌ی تفاوت جنسیتی، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آیاتی که به صنف خاصی، اختصاص ندارد و از واژه‌هایی چون: ناس، انسان، من و... استفاده نموده است.

۲. آیاتی که در آن‌ها از ضمیر جمع مذکر سالم یا لفظ مردم استفاده شده است. این نوع کاربرد کلمات، بر اساس فرهنگ محاوره شکل می‌گیرد و مراد از آن، صنفی در برابر زنان نیست، بلکه به معنای توده‌ی مردم است. بنابراین، نمی‌توان از تعبیرهای رایج در ادبیات و فرهنگ محاوره، جنسیت‌زدگی و مذکر‌گرایی قرآن را نتیجه گرفت.

۳. آیاتی که در آن، به نام زن و مرد تصریح شده است و وجود هیچ تفاوتی میان زن و مرد را بر نمی‌تابد؛ مانند: «من عمل صالحا من ذکر او انثی فلنحیینه حیاه طیبه» (نحل/۹۷). در

این آیه تصریح شده است که قرآن برای تهذیب روح است و هنگام عبادت و تقرب، بدن زن و مرد، در ارزش عبادت، نقشی ندارد (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۰۲).

بر این اساس، از دیدگاه بن‌باز، جنسیت بر ارزش‌های اخلاقی و دینی مؤثر است و نقص زن در عقل و دین و نیز خلقت خاص او، سبب شکل‌گیری ضد ارزش‌هایی جبر گونه در او می‌شود، اما از نظر آیت‌الله جوادی، این روح است که موصوف ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست و جنسیت در این مسئله، جایگاهی ندارد. با این حال، یکی از شبهاتی که همواره پیرامون مسئله زن، طرح گردیده، مضمون روایتی است که عقل و ایمان زن را ناقص می‌داند. این روایت در منابع شیعه به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در منابع اهل سنت به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است. آیت‌الله جوادی در پاسخ به این شبهه، معتقد است که گاهی، حادثه و موضوعی، در اثر سلسله‌ای از عوامل تاریخی، زمانی، مکانی، شرایط و علل و اسباب؛ مورد ستایش یا نکوهش قرار می‌گیرد، اما این امر، سبب نمی‌شود که اصل و طبیعت آن چیز، ستایش یا مذمت شود، بلکه احتمال دارد تنها در همان زمینه خاص، ارزش‌گذاری صورت پذیرفته باشد. به نظر می‌رسد بخشی از نکوهش‌های نهج‌البلاغه درباره زن نیز، به جریانی خاص، اشاره دارد. این روایت، به‌عنوان یک قضیه شخصیه یا خارجی و در پی جنگی است که عایشه، آن را مدیریت می‌نمود. حضرت، این سخن را زمانی فرمودند که عایشه، جنگ جمل را به راه انداخت و طلحه و زبیر را نیز تحریک کرد تا همراهی‌اش کنند و خون‌های فراوانی ریخت و سرانجام شکست خورد (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۶۸). آن چه گذشت یکی از تحلیل‌های روایت است؛ اما با توجه به آن که این حدیث، در منابع اهل سنت، به نقل از پیامبر ذکر شده است، به پاسخ عمومی‌تری نیاز دارد تا هر دو سند را در برگیرد.

در قسمت اول روایت، علت نقصان عقل زن را مساوی بودن شهادت یک مرد با شهادت دو زن دانسته‌اند. آیت‌الله جوادی، در تفسیر این بخش از روایت می‌گوید؛ شهادت دو زن، برابر شهادت یک مرد است، اما نه از این جهت که دارای عقل و درکی ناقص است؛ بلکه از این جهت که در تشخیص، اشتباه می‌کند. زن، مشغول کارهای خانه، تربیت کودک و مشکلات مادری است و ممکن است صحنه‌ای را که دیده فراموش کند. بنابراین، لازم است دو نفر باشند تا وقتی، یکی فراموش کرد، دیگری او را متذکر شود. علاوه بر آن، شهادت، امری مبتنی بر حس و مشاهده است و حضور و شهود زن در برخی مکان‌ها محدود و محذور است. آن چه در مرد و زن متفاوت است، عقل اجتماعی است که در نحوه مدیریت مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی، تجربی و... تأثیرگذار است و اگر بفرض، اثبات شود که عقل مرد، بیش از زن است، این سؤال وجود خواهد داشت که آیا این عقل، همان است که معیار برتری و فضیلت انسانی است. به عبارتی،

عقلی که موجب تقرب به خداوند می‌شود، همان عقلی است که پیامبر، آن را مایه کسب بهشت و رضایت خداوند رحمان خوانده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۴۶). بنابراین، اگر کسی در مسائل سیاسی، علمی، اجرایی و... دارای اندیشه‌ای برتر باشد، نشان از تقرب او به خداوند نیست و فضیلتی زائد برای به حساب می‌آید و چه بسیارند افرادی که با وجود این خصیصه، توان عقل و کنترل غرایز خویش را ندارند، چنانچه بیشتر مخالفان انبیاء و جاعلان مذاهب ساختگی از زمره مردان بوده‌اند (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۴۹-۲۵۹). برتری عقلی مرد بر زن، نقصی برای زن به حساب نمی‌آید، چنانچه برتری عاطفی زنان بر مردان، کاستی برای مرد نیست. این تفاوت، تنها برای استحکام پیوند خانواده و جامعه است (جوادی، ۱۳۹۱: ۵ / ۴۳۴).

آیت‌الله جوادی معتقد است که در برابر دیدگاه قائلین به عدم همتایی زن و مرد در ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و استناد آن‌ها به قسمت دوم روایت که به نقصان عقل و ایمان زن اشاره دارد، باید ادعا نمود که اگر زن، در ارزش‌های ایمانی و دینی خود از مرد، موفق‌تر نباشد؛ حداقل، همتای او خواهد بود؛ چراکه دستورات الهی و برنامه‌های دینی، مخصوص کسانی است که توان گام برداشتن در صراط آزادی را داشته باشند و هر کس، آمادگی بیشتری داشته و به هدف، نزدیک‌تر باشد؛ برنامه‌های دینی برای او مناسب‌تر است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که توفیق زن، بیش از مرد یا همانند اوست، زیرا شش‌سال، پیش از این که مرد، به تکلیف برسد؛ خداوند، زن را به حضور می‌پذیرد و با او هم‌سخن می‌شود. در این هنگام، مرد، نوجوانی در حال بازی و سرگرمی است. با توجه به آن که روایت، دلیل نقصان ایمان زن را محرومیت او از نماز و روزه در ایام عادت ماهیانه می‌داند، تقدم شش‌ساله حضور زن در پیشگاه خداوند و نیز به جا آوردن قضای روزه‌ها پس از عادت، جبران‌کننده خواهد بود. همچنین، بر اساس احکام اسلامی، اگر زن در زمان عذر شرعی، هنگام نماز در مصلاهی خود، رو به قبله کند و به قدر مدت زمان اقامه نماز، ذکر بگوید؛ ثواب نماز را از آن خود می‌کند؛ چنانچه مسافر نیز دو رکعت ساقط شده در سفر را با تکرار تسبیحات اربعه، جبران می‌نماید (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۷۷-۳۸۲).

تأثیر جنسیت بر فعلیت انسانی

فعلیت، عنوانی فلسفی، در برابر قوه و به معنای این است که آثار وجودی متناسب با مرتبه‌ای که موجود، در آن قرار گرفته، بروز یابد. بنابراین، برای شناخت فعلیت انسانی، نخست باید مفهوم انسان را تحلیل نمود؛ تا مشخص شود میزان انتظار از موجودی به نام انسان چه قدر است و سپس، قضاوت نمود که آیا او آثار انسانی و فعلیت خود را بروز داده است یا خیر؟

از نظر فرهنگ‌قرآنی، انسان، حی متاله است. در این تعریف، جنس انسان، حی و جامع حیات گیاهی، حیوانی و انسانی مصطلح (حیوان ناطق) است و فصل اخیر آن، «تاله» دانسته شده؛ یعنی خداخواهی مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت خداوند است. اگرچه در فلسفه، فصل اخیر انسان، نطق، بیان شده است؛ اما در ادبیات قرآنی اگر کسی، اهل ابتکار، صنعت و سیاست باشد و همه این امور را در خدمت هوای نفس، قرار دهد؛ «انعام» و در زمره چهارپایان است (فرقان/۴۴).

از نظر قرآن کریم، انسان حقیقی، کسی است که در محدوده حیات حیوانی و طبیعی توقف نکند و انسانیت خود را در محدوده نطق و تفکر، محدود نسازد؛ بلکه حیات الهی و جاودانی و خداخواهی فطری خویش را به فعلیت برساند و مراحل تکامل را تا مقام خلافت و مظهریت اسماء حسناى الهی طی کند (جوادی، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

در هر تعریفی، جنس، مشترک بین انواع مختلف است و می‌تواند صورت‌های مختلفی را بپذیرد؛ اما فصل، مایه تمایز بین اجناس مشترک است و فعلیت موجود را مشخص می‌کند. بنابراین، برای شناخت هر موجودی، لازم است که فعلیت آن شناخته شود تا حقیقت موجود، کشف شود. به عنوان مثال، خاک ماده‌ای است که صور گوناگونی را پذیراست و می‌تواند به صورت درخت، معدن، انسان و حیوان‌های متفاوت شکل گیرد. اندیشمندان حکمت الهی، تفاوت جنسیتی و تذکیر و تأثیر را از شئون ماده شیء می‌دانند و به اعتقاد آن‌ها، این دو امر در صورت و فعلیت شیء، بی‌تأثیر است. نشانه این امر، آن است که مرد و زن بودن، به انسان، مختص نیست و حیوانات و حتی گیاهان نیز دارای صنوف مذکر و مؤنث هستند. بنابراین، بر اساس قواعد منطقی، آن چیزی که در مراتب پایین‌تر از انسان (حیوانات و گیاهان) دارای آن باشند، مختص انسان و فعلیت او نیست؛ چراکه اگر به صورت انسان بازگشت داشت، هرگز مراتب پایین‌تر از انسان، آن را واجد نبودند (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۴۴). قرآن کریم می‌فرماید: «و از هر چیزی، جفت آفریدیم تا شاید شما عبرت بگیرید.» (ذاریات/۴۹).

بنابراین، از دیدگاه آیت‌الله جوادی، برای تشخیص تأثیر تفاوت جنسیتی در فعلیت انسانی، نخست لازم است فعلیت انسانی شناخته شود. بر اساس آیات قرآن، انسان، حی متاله است و زمانی به فعلیت انسانی می‌رسد و در انسانیت خود، بالفعل می‌گردد که آثار حی متاله را از خود بروز دهد. تفاوت‌های جنسیتی که از امور مربوط به بدن و فیزیک انسان‌ها می‌شود، مربوط به بخش مشترک و ماده همه انسان‌هاست و فصل که فعلیت انسانی به آن وابسته است، هرگز از تذکیر و تأثیر تأثر نمی‌پذیرد. بنابراین، تفاوت‌های جنسیتی، در فعلیت انسانی تأثیری نخواهد داشت.

آیات متعددی از قرآن کریم، مؤید همین معناست: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد،

خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. « (نحل/۹۷) بنابر آیه شریفه، برای کسب علوم و معارف الهی، اعمال صالح و به‌طور کلی، برای وصول به هر کمالی، جنسیت، نه شرط و نه مانع است. (جوادی، ۱۳۹۳: ۹۳) و اسلام بر ارزش‌های حقیقی، توجه دارد که در جان بشر ریشه نموده است و عامل بقای شخصیت، شکوفایی معنویت و مایه تقرب الهی است؛ اما تمایزهای موهوم مادی؛ همچون تغایرهای برخاسته از جسم؛ نظیر زن یا مرد بودن، شوهر یا زن بودن، فقر و غنا و... را لغو و بی‌اساس می‌داند: «عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نمی‌گذارم. « (آل عمران/۱۹۵).

در آیه شریفه، سخن از این است که در بارگاه خداوند هرگونه تأثیر جنسیتی و تفاوت در فعلیت انسانی و ارزش‌های دینی، جایگاهی ندارد؛ چراکه در روح انسان، ذکورت و انوخت، راه ندارد و میان مرد و زن در وصول به حیات طیبه، تفاوتی نیست؛ اگرچه اثبات عدم تفاوت به معنی تساوی نخواهد بود (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۳۸۶). خداوند، فارغ از همه اختلافات، تنها تقوا را معیار تفاوت و تمایز برمی‌شمارد (حجرات/۱۳).

در میان آثار بن‌باز، نگاه فقهی به زن و جنس مؤنث، بر دیگر مسائل، غلبه دارد و در بیشتر موارد، این نگاه فقهی، با محوریت چند حدیث خاص و با رویکرد ظاهرگرایی و تقدیم نقل بر عقل همراه بوده است و همین امر سبب شده جانب اعتدال، در ارائه شخصیت زن، رعایت نشود و او، تنها با استناد به دسته خاصی از روایات، معرفی شود. ممکن است سخن گفتن از نقصان عقل و دین زن در علم حدیث، توجیه‌پذیر باشد؛ اما بسندگی به ذکر این مباحث در کتب فقهی، مناسبتی نخواهد داشت. درواقع، می‌توان گفت که سرنوشت زن در آثار مفتیانی چون بن‌باز، در چند حدیثی خلاصه شده که به مذمت زن پرداخته است و آیات متعدد قرآن در عدم تفاوت جنسیتی و حتی سیره نبوی، نادیده گرفته شده است. در این صورت، بی‌راه نیست اگر نگاه او به انسانیت را نگاهی، جنسیت‌زده و بدون توجه به نفس و روح که حقیقت اصیل انسانی است؛ دانست. از این منظر، دستیابی به فعلیت انسانی و وصول به مقام حی متاله بالفعل، برای زن، ناممکن خواهد بود؛ زیرا نمی‌توان با نقصان عقل و ایمان و مملو بودن جهنم از جمعیت زنان به مقام حی متاله دست پیدا کرد (الطیار، ۱۴۳۲: ۳/۷۲۰). تنها توجیه بن‌باز، در مسئله نقصان ایمان عقل، این بود که زن با وجود نقایصی که دارد، مواخذه نخواهد شد (مسند، ۱۴۱۴: ۱۸۹). این پاسخ، ممکن است معذوریت زن در مقام وظایف شرعی را توجیه کند؛ اما فعلیت انسانی او چگونه میسر خواهد شد؟ آیا این نقصان که به عقیده بن‌باز، به وسیله خداوند بر زن تحمیل شده است، مانع از فعلیت انسانی او نمی‌شود؟ و چگونه ممکن است با عقل و ایمانی ناقص، به مقام حی متاله رسید؟ علاوه بر آن، بن‌باز با

استناد به آیه «الرجال قوامون على النساء» (نساء/ ۴۴) معتقد است که جنس مرد، برتر از جنس زن است و دلیل این تفسیر را حدیث دال بر نقصان عقل و دین زن می‌داند. (سند، ۱۴۱۴: ۱۹۰) به نظر می‌رسد بن‌باز، با محور قراردادن این حدیث در مقام زن، بر همه آیات و روایات دیگر، چشم بسته است و به جای تأویل و تفسیر روایت بر اساس مبانی قرآنی و سیره نبوی؛ آیات قرآن و سیره را به مطلوب خود، مصادره نموده است. ثمره آن چه در آثار بن‌باز درباره زن آمده است، چیزی جزء نادیده گرفتن فعلیت انسانی او و زیر سؤال بردن عدل خداوند در پی ایجاد موانع خدادادی؛ چون نقص عقل و ایمان نخواهد بود. همچنین، نگرش جنسیتی به زن و نادیده گرفتن جنبه انسانی او در همه ارزش‌ها، نشان‌گر نگاه تک‌بعدی و مادی‌نگر این مفتی وهابی، به موجودی است که همچون مرد، دارای روح و شخصیت انسانی است و این نوع نگرش، چیزی جزء فراموشی اصل شخصیت انسانی و روح را به دنبال نخواهد داشت. در مقابل این نگاه، آیت‌الله جوادی، قومیت را نه نشان برتری و افضلیت مرد بر زن که حاکی از مسئولیت و وظیفه‌ای اجرایی می‌داند که خداوند بر عهده مرد قرار داده است. بر این اساس، خداوند با این پیام، زن را تحت فرمان مرد قرار نداده است، بلکه وظیفه سرپرستی منزل و برطرف کردن نیازهای زندگی زن را بر عهده مرد گذاشته است؛ چراکه زن، امانتی است که خداوند، حفظ و دفاع از وی را بر عهده مرد قرار داد است، همان‌طور که وظیفه تأمین هزینه و نفقه زن را بر عهده او نهاده است. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/ ۵۴۵). علاوه بر آن که اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به‌عنوان دو صنف مطرح باشند، هرگز مرد، قوام و قیم زن نخواهد بود. قیومیت درجایی است که زن در مقابل شوهر باشد که این نیز نشان از کمال و تقرب الی الله مرد نیست (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۹۱).

تأثیر جنسیت بر فعالیت اجتماعی

انسان، برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون خود، به حضور در اجتماع نیاز دارد. اسلام، به عنوان دینی که وظیفه خود را پاسخگویی به نیازهای روحی و جسمی انسان می‌داند، با تأیید روابط سازنده اجتماعی، برخی اصول آن را نیز پایه‌گذاری نموده است. افراد بشر، از جهت اجتماع مدنی، دارای حقوقی مساوی هستند و تنها تفاوت آن‌ها در حقوق اکتسابی است که به کار، وظیفه و تکالیف آن‌ها وابسته است. زن نیز از این حق انسانی، بی‌بهره نیست و اسلام از حضور زن در اجتماع تا زمانی که به فساد و بی‌اخلاقی منجر نشود، نهی نمی‌کند. (توبه/ ۷۱)

این آیه با یاد کردن زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن، از وظیفه‌ای اجتماعی به نام امر به معروف و نهی از منکر، نام می‌برد که هم زن و هم مرد، در اجتماع انسانی، به آن اهتمام می‌ورزند.

با پیشرفت علوم و صنایع، میدان فعالیت‌های اجتماعی از گستردگی و تنوع زیادی برخوردار شده است؛ اما به طور کلی فعالیت‌های اجتماعی را در چند بخش عمده می‌توان تقسیم نمود: ۱. اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی؛ ۲. فعالیت‌های سیاسی؛ ۳. فعالیت‌های علمی و فرهنگی.

۱. اشتغال و فعالیت اقتصادی

لازمه اشتغال و فعالیت اقتصادی، حضور در اجتماع نیست و مشاغل فراوانی هستند که بدون حضور در اجتماع، انجام‌پذیر است؛ اما اشتغال مورد نظر در بحث حاضر، شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است که به حضور فعال فرد در اجتماع، وابسته است. فعالیت زن در این عرصه، همواره تحت تأثیر اختلاف‌های عمده علماء و فقهای مذاهب اسلامی بوده است. در این میان، وهابیت، مخالفت و تحریم اشتغال در محیط‌های مختلط و ترکیبی از زن و مرد را بر همه نظرات، ترجیح داده است. بن‌باز، معتقد است که کار زن در محیط اجتماع، صراحتاً و تلویحاً به اختلاط و خلوت منجر می‌شود که این امر، خطرات جدی و تبعات ناپسندی را به دنبال دارد و از آن نهی شده است. او، اشتغال زن در اجتماع را عملی مخالف با نصوص شرعی‌ای می‌داند که به زن امر نموده در خانه بماند و به کارهای منزل، اهتمام بورزد. بن‌باز با استناد به آیات ۳۳ و ۵۹ سوره احزاب و آیه ۳۱ سوره نور، معتقد است که این آیات، ادله صریحی بر تحریم خلوت با نامحرم، نگاه به او و اموری که به حرام می‌انجامد، هستند. او فساد، تضعیف خانواده و تخریب اجتماع را نتیجه اختلاط زن و مرد می‌داند (المسند، ۱۴۱۴: ۱۹۴).

العکس یکی دیگر از مفتیان وهابیت، تنها محل کار زن را، خانه او می‌داند و می‌گوید: زن نمی‌تواند به جزء موارد ضروری از منزل، خارج شود و کارهای منزل، به اندازه‌ای وقت‌گیر است که فرصتی برای کار در بیرون از منزل نخواهد ماند (العکس ۱۴۱۳: ۳۶). الطیار نیز، به طور کلی کار و خروج زن از منزل را بدون ضرورت، جایز نمی‌داند. (الطیار، ۱۴۳۲: ۱۳ / ۹۶۵). به اعتقاد بن‌عثیمین نیز، کار کردن در محل‌های حضور مردان، مستلزم اختلاط و فتنه عظیم است؛ از این جهت، احراز از آن، واجب است و برای زن، جایز نخواهد بود (بن‌باز، بی‌تا: ۲۲۷).

به‌طور کلی، معیار حضور اجتماعی زن از دیدگاه وهابیت در همه عرصه‌ها، عدم اختلاط و همراهی با مردان است و چون در بیشتر موارد، اجتماع، خالی از حضور مردان نیست؛ زن نمی‌تواند محیط بیرون از منزل را تجربه کند. از دیدگاه بن‌باز، تنها صورت حضور اجتماعی زن با هدف اشتغال در جامعه، اختلاط و فساد است. این درحالی است که می‌توان صور دیگری از اشتغال زن در اجتماع را در نظر گرفت: اشتغال در محیط‌های غیر مختلط و مختص به زنان، اشتغال در محیط‌های مختلط بدون برخوردهای

غیر ضروری و فساد گونه زن و مرد و . . .

آیت‌الله جوادی، بر اساس آیه قرآن که مرد را قوام بر زن می‌داند؛ وظیفه تلاش برای اداره امور اقتصادی و مدیریت خانه را بر عهده مرد می‌داند؛ از این جهت، لازم نیست زن برای خرج منزل، کار کند و وظیفه‌ای بر عهده او نیست (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۵)؛ اما به تصریح آیه قرآن که می‌فرماید: «هر یک از مرد و زن از آن چه اکتساب می‌کنند، بهره‌مند می‌شوند» (نساء/۳۲). اگر زنی، از راه اشتغال یا غیر اشتغال؛ همچون ارث، دیه و . . . مالی را به دست آورد، محصول کار، به نحو استقلالی برای خود اوست و این امر، از اهمیت استقلال اقتصادی زن و مخالفت با پندار جاهلیت، نشان دارد که زنان را محروم می‌نمودند (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۴۹۲ و ۱۹۳). تصدی امور اجرایی برای زن در امور نمایندگی و وکالت، محذوری ندارد (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۵۷). با این حال، حضور زن با هدف اشتغال در جامعه، همچون سایر فعالیت‌های اجتماعی او، دارای شرایطی است که در آیات قرآن نیز آمده است.

۱. مهم‌ترین وظیفه مرد در محیط خانه، تأمین نیازهای مالی، نفقه زن و فرزند و مدیریت خانواده است. در مقابل، وظیفه زن، اطاعت از همسر در امور زناشویی، تربیت فرزند، حفظ اسرار، حرمت و آبروی خانواده است. از این جهت، اشتغال زن و هر نوع، حضور اجتماعی نباید به وظایف اصلی او؛ یعنی حقوق همسر و فرزندان، آسیب بزند (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۶).

۲. اضافه بر شرط منافی حضور اجتماعی زن با حقوق همسر، اجازه او نیز برای خروج زن از منزل و اشتغال در محیط اجتماعی، لازم است؛ اگرچه زن می‌تواند با شروط ضمن عقد، دامنه وظایف خود و حقوق و اختیارات همسرش را محدود نماید (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۶).

۳. حضور زن در اجتماع با هر هدفی، باید بر اساس معیارهای اسلامی؛ همچون: عدم تبرج و استفاده از زینت یا پوشش‌های نامتعارف، گفتار بدون ناز و کرشمه، التزام به پوشش اسلامی و دوری از فساد اجتماعی باشد (جوادی، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

برای حضور اجتماعی زن، علاوه بر اصل حجاب که از احکام مشترک بین مرد و زن است. مسائل دیگری چون: رفتارها و کیفیت تعاملات و سخن گفتن نیز از جمله موضوعاتی است که شرط شده است. عدم خضوع در گفتار و نازک نمودن و عشو و ناز در صدا، ارتباط‌های گسترده و غیر ضروری با نامحرم و . . . از جمله اموری است که سلامت حضور زن در اجتماع را به خطر انداخته و باید از آن پرهیز شود، اما همه این امور، تنها شرایطی برای حضور سالم زن در اجتماع و پرداختن به اشتغال است؛ نه دلایلی برای منع ورود او به فعالیت‌های اجتماعی؛ همچون اشتغال. بن‌باز و دیگر

هم‌اندیشان او، نتوانستند به‌خوبی، این دو امر را از یکدیگر تفکیک کنند و از این جهت، اشتغال زنان در جامعه را جایز نمی‌دانند.

این فتاوا، در دستور کار دولت سعودی نیز قرار گرفته است؛ چنان‌چه ملک‌فهد در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۹ دربارهٔ ممنوعیت مشاغل مختلط می‌گوید؛ حضور زن و مرد در عرصهٔ کار، ممنوع است؛ زیرا امری حرام است و با عادات و رسوم شهرها منافات دارد. در صورتی که اداره‌ای، به واگذاری کارهای نامناسب با طبیعت زن یا محیط مختلط، اقدام نماید؛ مجازات خواهد شد (حمد العباد البدر، ۱۴۲۸: ۲۶).

۲. فعالیت‌های سیاسی

نقش زن در سیاست، هم به صورت مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و رأی و نظر در سرنوشت جامعه و کشور خود و هم به نحو حضور در مدیریت‌های کلان سیاسی، قابل بحث و بررسی است.

اللجنة الدائمة، در طی فتوایی اعلام کرده است که زن نمی‌تواند در مناصب قضاوت، امارت و حکمرانی، مشغول شود؛ چراکه سنت، مقاصد شریعت و اجماع، مخالف اتخاذ این مناصب توسط زن است (الجرسیسی، ۱۴۳۲: ۱۹۵۰). دلیل این امر، دلالت روایتی از ابی بکره است که بر اساس آن، هنگامی که به رسول خدا (ﷺ) خبر رسید که پوران، دختر کسری؛ حاکم ایران زمین شده است، فرمودند: «قومی که زنی بر او حکومت کند، به رستگاری نمی‌رسد». (ترمذی، ۱۴۲۳: ۸۹۸). واژگان «امراه» و «قوم» از آن‌جا که در سیاق نفی قرار گرفته است، ولایت را از زنان سلب می‌کند.

بن‌باز نیز به دلیل اعتقاد راسخ به نقصان عقل و ایمان زن، معتقد است که جنس زن بر جنس مرد به هیچ عنوان نمی‌تواند تسلط یابد و این مسئله، اختصاص به محیط خانه و خانواده ندارد و حکمی کلی است. در رابطه با مشارکت زنان در انتخابات و حق رأی نیز، از آن‌جا که در نظام سیاسی وهابیت و عربستان، مشارکت سیاسی برای مردم، تعریف نشده است، در رابطه با حق رأی زن نیز بحثی صورت نپذیرفته است. با این حال، از اندک نظرات طرح شده در این زمینه، به دست می‌آید که حضور زن در سازوکار انتخابات؛ استیلائی زن بر مرد و اختلاط را به همراه دارد و ممنوع است. دیگر آن که، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که زنان هیچ‌گاه در سرنوشت سیاسی خود، مشارکت نداشته‌اند؛ چنان‌چه در واقعهٔ سقیفهٔ بنی ساعده و در مجلس بیعت با ابی‌بکر، هیچ زنی در مسجد حضور نداشته است (حمد العباد البدر، بی تا: ۱۰).

در برابر نگاه جانب‌دارانه به حوادث تاریخی، شواهد متعددی به چشم می‌خورد که قرآن کریم، از فرمانروایی به نام ملکهٔ سبا سخن می‌گوید که پیامبر خدا، حضرت سلیمان (ﷺ) با او به مذاکره می‌پردازد و او با سیاستی مثال‌زدنی، مورد تأیید آیات

قرآن قرار می‌گیرد. (نمل/۴۳) پیامبر اسلام (ﷺ) نیز از نخستین روزهای دعوت پنهانی خویش، به مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی، اهمیت فراوانی می‌دادند. خدیجه (س) و سمیه آل یاسر از پیشتازان دین و بیعت با پیامبر اسلام (ﷺ) بودند. این در حالی است که بسیاری از مردان مدعی عقل و شجاعت، توان تشخیص حقیقت یا شهامت کنار گذاشتن تفکرات جاهلی خویش را نداشتند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۹۴) نمونه دیگری از زنان دارای نبوغ و هوش اجتماعی صدر اسلام، سوده دختر عمار بن الاسک همدانی است که شرکت در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی را وظیفه خود می‌دانست. او، پس از شهادت علی (علیه السلام)، برای ایراد شکایت از ستمگری‌های بسر بن ارقطه به دربار معاویه رفت. معاویه، او را شناخت و گفت؛ تو همانی نیستی که در جنگ، با اشعارت برادرانت را تشجیع می‌کردی؟! (ابن ابی طاهر، بی تا: ۱/ ۴۷) این نمونه یادآور این نکته است که زن می‌تواند در امور سیاسی، همچون مرد، دخالت کند و حقوق پایمال شده خویش را از والیان امر، درخواست نماید.

دختر حرث بن عبدالمطلب نیز از جمله زنانی بود که در برابر حکومت اموی ایستادگی کرد و در مقابل معاویه، عمروعاص و مروان، در طی خطبه‌ای فصیح و موجز، به انتقاد از هیئت حاکم پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/ ۲۶۰). اگر زنی، مرثیه بخواند، او را اهل رقت و عاطفه می‌خوانند؛ اما وقتی زنی سالخورده وارد دربار نیرومند امویان می‌شود و همه آن‌ها را محکوم می‌نماید؛ حضور سیاسی او را تفهیم می‌کند (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۰۷). نمونه‌های دیگر حضور سیاسی زنان، در عرصه‌های جنگی است؛ زانی چون: دختر حریش بن سراقه، دختر خالد بن سعید، دختر قیس بن ابی الصلت الغفاری و... که در امور تدارکاتی جبهه؛ همچون: رسیدگی به مجروحان، تدفین شهدا، تبلیغ و ترغیب و ایجاد شور و شوق در رزمندگان و... تأثیر قابل توجهی داشتند (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۰۹-۳۲۰).

اضافه بر نمونه‌های تاریخی مذکور، در دوران معاصر نیز زنان در جامعه اسلامی ایران، با حفظ حدود و معیارهای حضور اجتماعی زن مسلمان، در تعیین سرنوشت کشور خود از طریق انقلاب علیه حکومت ظلم، حضور در انتخابات، تصدی مناصب مختلف اجرایی، مشارکت فعال دارند.

از نظر آیت‌الله جوادی، تصدی امور اجرایی برای زن، نه تنها در کارهای کلان نمایندگی و وکالت، محذوری ندارد که تصدی امور خاص، به‌عنوان وصایت که به نوعی، ولایت بر موصی به تلقی می‌شود، رواست؛ چراکه ذکوریت در این امور، شرط نشده است (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۵۷).

۳. فعالیت‌های علمی و فرهنگی

تعلیم و تربیت، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی و فرهنگی است که از حقوق انسانی

زن و مرد به شمار می‌رود. از آن چه تاکنون سخن به میان آمد، معیارها و ملاک‌هایی برای حضور زن در جامعه به دست آمد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی که در بستر جامعه شکل می‌گیرد؛ از این قاعده مستثنا نخواهد بود و ملاک و معیار هر کدام از دو اندیشمند در این‌جا نیز پیاده می‌شود:

دین اسلام، به‌هیچ‌وجه، جنسیت را سدّ راه دانش‌اندوزی ننموده است و تفاوت جنسیتی نمی‌تواند مانع یا شرطی برای کسب دانش باشد. از منظر مفتیان وهابی از جمله بن‌باز، تحصیل علم، امری جایز است؛ اما اگر برای کسب دانش، حضور اجتماعی، شرط باشد؛ لازم است معیارهای حضور اجتماعی زن، در این‌جا نیز رعایت شود. بنابراین، زن باید دانشی را بیاموزد که با طبیعت زنانه او سازگار است و در محیطی حاضر شود که مردی در آن نباشد (المسند، ۱۴۱۴: ۲۲۶). علاوه بر این شروط، بن‌باز معتقد است که حضور در محافل علمی در صورتی برای زن جایز است که هیچ‌گونه زینت و تبرجی به همراهش نباشد (المسند، ۱۴۱۴: ۲۵).

بر اساس این فتاوا، تعلیم و تربیت زن نیز، همچون اشتغال او در اجتماع، دارای محدودیت است و اگر محیط زنانه برای تحصیل فراهم نباشد؛ زن نمی‌تواند از امکانات عمومی تعلیم و تربیت بهره‌بردار شود. تدریس و تعلم زن نیز در زمره اشتغال زن به حساب می‌آید و فرض تدریس زنان برای جنس مخالف، قطعاً مردود است.

از نظر آیت‌الله جوادی، فراگیری علم، بر دو قسم است:

قسم اول، سلسله‌علمی هستند که فراگیری آن‌ها بر هر فرد-چه زن و چه مرد- واجب است و از آن به واجب‌عینی تعبیر می‌شود. زن همچون مرد برای فراگیری این علم باید اقدام و تلاش نماید و اجازه همسر در این قسم، لازم نیست.

قسم دوم، علمی هستند که یادگیری آن، واجب‌کفایی است؛ یعنی اگر دیگران به قدر کافی برای یادگیری آن اقدام نمودند، فراگیری آن، به واجب‌عینی، تبدیل شده و بر زن نیز واجب می‌شود. در این قسم نیز زن می‌تواند با همسر خود شرط کند که وقتی از اوقات خود را صرف یادگیری نماید؛ چنان‌چه حضرت زینب کبری (س)، در جریان ازدواج خود، این امر را در شروط ضمن عقد خویش آورد (جوادی، ۱۳۷۸: ۴۲۲).

همچنین اگر زن بتواند به مقام تعلم و تدریس برسد و به نکاتی دست یابد که دیگران نرسیده‌اند؛ تدریس و تعلیم نیز بر او واجب‌عینی می‌شود و اگر هم زن و هم مرد، به مقام تدریس برسند؛ وجوب تعلیم جاهل، بر هر دو واجب‌کفایی است، نمونه تاریخی این مسئله، خطبه‌تعلیمی فاطمه‌زهرا (س) در آموزش حق اهل بیت (علیهم‌السلام) و استرداد خلافت و فدک بود. این خطبه در مسجد و با حضور مردان و زنان قرائت شد (جوادی، ۱۳۷۸: ۴۰۴). بنابراین، زن در اندیشه امامیه همچون مرد، موظف است که به تعلیم و

تعلیم بپردازد و جنسیت در این مسئله، اثرگذار نخواهد بود، باین حال، از آن جا که تدریس و تدریس به حضور اجتماعی گره خورده، باید ونباید هایی که در حضور اجتماعی زن شرط شد، در این مسئله نیز جاری است: عدم خودنمایی و استفاده از پوشش اسلامی، روابط ضروری با نامحرم و گفتار و رفتار اسلامی.

نتیجه

از آنچه گذشت به دست می آید:

۱. ظاهر بسندگی در برخورد با آیات و روایات از سوی وهابیت و به خصوص، بن باز که از مفتیان بزرگ و مطرح آن هاست؛ سبب شده که زن، تنها با محوریت چند روایت خاص، تعریف شود. مضمون این روایات، بر خلقت دست چندی و طفیلی گونه زن حکایت دارد و او را موجودی دارای عقل و ایمان ناقص معرفی می کند. این دو خط، خلاصه ای از ترسیم زن در وهابیت است و درست، همان چیزی است که از کتب مختلف فقهی، روایی و حتی اجتماعی مفتیان وهابیت، منعکس می شود.

۲. بر اساس نگاه وهابیت، زن حتی در فعلیت انسانی خویش، ناقص است و با تسامح و تساهل، انسان نامیده می شود، به سان آنچه مولوی فرمود: شیر بی دم و سر و اشکم که دید؟/ این چنین شیری خدا خود نا آفرید.

۳. نقصان عقل و ایمان، محوری ترین ویژگی زن در وهابیت است که او را از بسیاری کمالات، فضائل، ارزش ها و فعالیت های اجتماعی، منع می کند و سبب می شود که بیشترین جمعیت جهنم به زنان اختصاص یابد و هر کجا از محدودیت و ممنوعیت برای حضور زن، صحبتی به میان می آید؛ با نقصان عقل و ایمان، مستدل می شود.

۴. بن باز، نقصان عقل و ایمان را خدادادی می داند که مواخذه ای برای زن در بر ندارد و از نگاه او، محرومیت از کمالات اخلاقی، ممنوعیت حضور اجتماعی و...؛ مواخذه به شمار نخواهد آمد.

۵. در برابر این نگاه، شیعه امامیه، با پرهیز از نگاه جنسیتی به زن و مرد؛ نفس و روح انسانی را محوری ترین خصیصه بشر می داند و معتقد است که جنسیت، هیچ تأثیری بر فعلیت انسانی و کسب کمالات و ارزش ها نخواهد داشت.

۶. به تعبیر آیت الله جوادی، حقیقت انسان را روح، تشکیل می دهد و روح، فاقد جنسیت است. کمالات و ارزش ها، وصف روح و نفس آدمی است و هیچ بدنی به صدق یا کذب و اوصافی از این قبیل، متصف نمی گردد.

۷. در بعد فعالیت های اجتماعی، هم آیت الله جوادی و هم بن باز، حضور اجتماعی زن را به شروطی مقید می دانند. آیت الله جوادی معتقد است که زن با حضور انسانی خویش می تواند در جامعه حضور یابد بدون آنکه خصیصه های جنسیتی خویش؛ همچون رفتار

و گفتار زنانه را بروز دهد.

۸. بن باز، وجود برخی ویژگی‌های زنان، همچون تبرج، حضور در فضاهای مشترک با مردان و... را دلیلی بر منع حضور زن در اجتماع می‌داند و شروط و قیودی که برای زن، قرار می‌دهد؛ گاه تا حدی غیرقابل‌تحصیل است که نتیجه آن، عدم حضور زن در اجتماع خواهد بود.

۹. این امور، تنها برآمده از مکتوبات و نظریات هر دو اندیشه بود و چه بسا، میان گفتار و عمل، فاصله‌ها باشد؛ از این جهت، به پژوهشگران توانمند در عرصه علوم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود تا با بررسی عملکرد و تعامل جامعه وهابیت و شیعه امامیه با زنان؛ تأثیر جنسیت در این دو اندیشه را با نگاهی دیگر، به تصویر کشند.

منابع

قرآن کریم

۱. بخاری، ابی عبدالله (۱۴۲۷): «جامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله وسنن وایامه»، بیروت: دارالفکر.
۲. بن ابی طاهر، احمد (بی تا): «بلاغات النساء»، قم: الشری الرضی.
۳. بن باز، عبدالعزیز (بی تا): «الاحکام الشرعیة فی الفتاوی النسائیة. اسامه بن عبدالفتاح البطه»، بی جا: دارالتقوی.
۴. بن حمد العباد البدر، عبدالمحسن (۱۴۲۸): «لماذا لا تقود المراه السیاره فی المملکه العربیة السعودیة»، ریاض: دارالتوحید.
۵. بن عبدالرحمن الجریسی، خالد (۱۴۳۲): «فتاوا علماء البلد الحرام»، ریاض: مکتبه الملک فهد الوطنیه.
۶. ترمذی، ابی عیسی محمد (۱۴۲۳): «سنن الترمذی الجامع الصحیح»، لبنان: دارالمعرفه.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱): «ادب فتاوی مقربان»، قم: نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸): «ادب قضا در اسلام»، قم: نشر اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵): «تفسیر انسان به انسان»، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶): «تفسیر تسنیم»، قم: نشر اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳): «تفسیر تسنیم»، قم: نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴): «حیات حقیقی انسان در قرآن»، قم: نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸): «زن در آینه جلال و جمال»، قم: نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳): «صورت و سیرت انسان در قرآن»، قم: نشر اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳): «فلسفه حقوق بشر»، قم: نشر اسراء.
۱۶. زکی یمانی، احمد (۱۳۸۵): «اسلام و زن، ضیاء موسوی»، بی جا: میثم تمار.
۱۷. زین العابدین حماد، سهیله (۱۴۲۴): «المراه المسلمه و مواجهه تحدیات العولمه»، ریاض: العیبکان.
۱۸. الطیار، عبدالله (۱۴۳۲): «مجموع مؤلفات و رسائل و بحوث»، ریاض: دارالتدمریه.
۱۹. العکة خالد (۱۴۱۳): «موسوعه فقه المراه المسلمه من الکتاب والسنة»، دمشق: دارالایمان.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳): «بحار الانوار»، بیروت: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۲۱. المسند، محمد (۱۴۱۴): «فتاوا المراه»، ریاض: دارالوطن للنشر.

References

Holy Quran

1. Bukhari, Abi Abdallah (1427): "Jami al-Musnad al-Sahih al-Mukhtasar", Amour Rasullullah wa Sunan wa Ayameh, Beirut: Dar al-Fikr.
2. Bin Abi Taher, Ahmad (Beta): "Balaghat al-Nasa", Qom: Al-Shari al-Radhi.
3. Bin Baz, Abd al-Aziz (Beta): "Al-Ahkam al-Shari'ah fi al-Fatawi al-Nasa'iyyah. Osama bin Abd al-Fattah al-Batha", Bija: Dar al-Taqwi.
4. Bin Hamad al-Abbad al-Badr, Abdul Mohsen (1428): "Lamat Latqud al-Marah al-Siyarah fi al-Malmak al-Arabiya al-Saudieh", Riyadh: Dar al-Tawheed.
5. Ibn Abd al-Rahman al-Jarisi, Khalid (1432): "Fatwa of Ulema al-Bald al-Haram", Riyadh, Maktaba al-Mulk Fahd al-Watniyyah.
6. Tirmidhi, Abi-Eisa Muhammad (1423): "Sunan al-Tirmidhi al-Jamae al-Sahih", Lebanon: Dar al-Marifah.
7. Javadi Amoli, Abdullah (1391): "Adab Fanai Moqran", Qom: Esra Publishing House.
8. Javadi Amoli, Abdullah (2018): "Adab Qaza in Islam", Qom: Esra Publishing.
9. Javadi Amoli, Abdullah (2016): "Interpretation of Man to Man", Qom: Esra Publishing House.
10. Javadi Amoli, Abdullah (2016): "Tafsir Tasnim", Qom: Esra Publishing House.
11. Javadi Amoli, Abdullah (2013): "Tafsir Tasnim", Qom: Esra Publishing House.
12. Javadi Amoli, Abdullah (2014): "The Real Life of Man in the Qur'an", Qom: Isra Publishing.
13. Javadi Amoli, Abdullah (1378): "A woman in the mirror of Jalal and Jamal", Qom: Esra Publishing.
14. Javadi Amoli, Abdullah (2013): "Man's Face and Character in the Qur'an", Qom: Esra Publishing.
15. Javadi Amoli, Abdullah (2013): "Human Rights Philosophy", Qom; Esra Publishing House.
16. Zakiyemani, Ahmad (2005): "Islam and Woman, Zia Mousavi", Bija: Maitham Tamar.
17. Zain al-Abdin Hammad, Suhaila (1424): "Al-Marah al-Muslimah and the challenges of globalization", Riyadh: Al-Ubaikan.
18. Al-Tayar, Abdallah (1432): "Collections of Al-Mufarat and Rasail and Researches", Riyadh: Dar al-Tamriyyah.
19. Al-Ak, Khalid (1413): "Musouah Fiqh al-Marah al-Muslimah Man al-Kitab and Sunnah", Damascus: Dar al-Ayman.
20. Majlesi, Mohammad Baqer (1403): "Bihar al-Anwar", Beirut: Ministry of Culture and Arshad al-Islami.
21. Al-Massand, Muhammad (1414): "Fatawa al-Marah", Riyadh: Dar al-Watan Publishing House.